



گزارشی از نشست نسبت اسناد تحولی با تعاملات جهانی

تعاملات جهانی در اسناد جهانی

انلدار محمدزاده صدیق

اشاره

گسترش و توسعه تعامل با تحولات علمی، فرهنگی و پژوهشی و پایش آن در سطح جهانی و بین‌المللی در سند تحول بنیادین به طور ویژه در هدف کلان شماره ۸ و راهکارهای ۹-۱۱، ۱۱-۱۱، ۱۱-۱۲، ۴-۱۹، ۳-۲۳ مورد تأکید قرار گرفته است. ما در این میزگرد به دنبال برجسته‌سازی و ارزش‌گذاری پیام‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنی بر توسعه تعاملات و ارتباطات مقتدرانه، آبرومندانه و آگاهانه با جهان هستیم.

مجله رشد مدیریت مدرسه در میزگرد اختصاصی خود در دوره جدید انتشار، نسبت اسناد تحولی با تعاملات جهانی را بررسی کرد.



شرکت کنندگان در میزگرد

دکتر **حیدر تورانی**، سردبیر مجله رشد مدیریت مدرسه و رئیس پژوهشکده مطالعات برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی
 مهندس **علی زرافشان**، معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش
محمد حسنی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
 دکتر **مختار موسوی**، مدرس دانشگاه و متخصص مدیریت آموزش
 دکتر **سیدعلی حسینی**، متخصص فناوری اطلاعات و ارتباطات و مشاور دفتر همکاری های بین المللی آموزش و پرورش
محمدرضا حشمتی، سردبیر مجله رشد معلم

حیدر تورانی، سردبیر مجله رشد مدیریت که هدایت این میزگرد را بر عهده داشت، در ابتدا ضمن اظهار خرسندی از تشکیل چنین میزگردی، اظهار امیدواری کرد که این قبیل گفت و گوها موجب شود که اسناد ملی و تحولی خودمان بیشتر تبیین شده و بهتر مورد توجه و استفاده در بدنه آموزش و پرورش قرار گیرد. اینک نظر تان را به ادامه میزگرد جلب می نمایم:

تأثیر و تأثر در دنیای امروز وجود دارد

دکتر **حیدر تورانی**، سردبیر مجله رشد مدیریت مدرسه و رئیس پژوهشکده مطالعات برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی در شروع بحث گفت: «وقتی سندی می خواهد آموزش و پرورش یک کشور را متحول کند، نظر به اینکه یک

کشور در جغرافیای جهانی زندگی می کند، نمی تواند به سایر تحولات جهانی بی اعتنا باشد، باید نسبت خودش را با تحولات جهانی تنظیم کند و بر آن ها تأثیر بگذارد و از آن ها تأثیر نیز پذیرد. ما نباید توقع داشته باشیم که فقط تأثیر بگذاریم و تأثیر نپذیریم. تأثیر و تأثر در دنیای امروز وجود دارد لکن باید آن ها را خوب مدیریت کنیم و برای مدیریت خوب، آن ها را خوب تعریف کنیم و در اسناد بالادستی مشخص کنیم که در چه مسیری حرکت می کنیم، دیدگاه و راهبرد (استراتژی) و سیاست ما چیست تا بتوانیم همه نیروها را همسو و هم جهت کنیم و کارمان را اثربخش کرده و از بهترین ها بهره بگیریم». سردبیر مجله رشد مدیریت مدرسه سپس برخی از بندهای سند تحول بنیادین را که به مسائل جهانی اشاره دارند، بیان کرد و ادامه داد: «در هدف کلان شماره ۸ سند ملی چنین آمده است: «کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی. در راهکار ۹ - ۱۱ داریم: رصد کردن تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت معلم و تحولات علمی در حوزه علوم تربیتی در سطح منطقه، جهان اسلام و بین الملل و بومی سازی تجربیات و یافته های مفید آن ها و بهره مندی آگاهانه از آن ها در چارچوب نظام معیار اسلامی. راهکار ۱۱ - ۱۱ می گوید: «مشارکت فعال در تعاملات بین المللی با اولویت جهان اسلام و انعکاس نظریات و تجربیات موفق داخلی در محافل و مراکز علمی جهانی». حال باید بررسی کرد که به لحاظ نظری و همچنین فضای آکادمیک بیرونی این موضوع چگونه امکان پذیر است. راهکار ۱۲ - ۱۱ می گوید: «بهبودسازی سیاست ها و برنامه های نظام تربیت رسمی عمومی برای افزایش کارایی و اثربخشی مدارس خارج از کشور». توضیح اینکه



مدارس خارج از کشور هر چند مدارس ما هستند و برنامه‌های نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کنند، لکن بیش از داخل با خارجی‌ها در ارتباطند. بنابراین، باید دید که آنجا چه حرفی برای گفتن می‌تواند داشته باشند؟ بند ۴ - ۱۹ می‌گوید: «ارتقای جایگاه ایران در ارزیابی‌های کیفیت جهانی در چارچوب معیارهای اسلامی و معرفی الگوی تعلیم و تربیت اسلامی به جهان». ما می‌خواهیم الگوی تعلیم و تربیت اسلامی را به جهان معرفی کنیم. در دنیا نیز نهادهایی نظیر یونسکو وجود دارند که کار فرهنگی می‌کنند. بنابراین، ابتدا باید با این‌ها تعامل پیدا کنیم و وارد محدوده‌هایشان شده اثرگذار شویم. بند ۳ - ۲۳ نیز می‌گوید: «حمایت‌های مادی و معنوی از طرح‌های موفق و نوآوری‌های تربیتی و بومی و مستندسازی و انتشار یافته‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور». بدین معنا که ما از طریق ارائه یافته‌هایمان به خارج از کشور یا از طریق مقالات نوشته شده و یا کنفرانس‌های برگزار شده، بتوانیم در بسترهایی موضوع را مورد بررسی قرار دهیم و این موارد بدون تعاملات خوب و گسترده با جهان امکان‌پذیر نیست. تأثیرگذاری این موارد زمانی بالاست که بتوانیم به راحتی در محافل علمی جهان حضور پیدا کنیم. در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت کنیم و در داخل نیز از طریق بخش‌های فرهنگی داخل کشور که با بیرون بیشتر ارتباط دارند، بتوانیم خودمان را به دیگران معرفی کنیم. بنابراین باید ببینیم نسبت اسناد ما با تحولات جهانی ادعا شده در سند تحول بنیادین، مستلزم چه مقدمات و تمهیداتی است و ما در این مسیر چگونه اقدام خواهیم کرد».

از تعامل با جهان چه اهدافی داریم

دکتر محمد حسنی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، در این باره گفت: «ابتدا باید نسبت‌مان را با جهان مشخص کنیم که می‌خواهیم در تعامل با جهان چه کار کنیم. اگر قرار است به‌عنوان کشوری که متکی به ایدئولوژی اسلامی است نسخه سعادتمندی برای جهان داشته باشیم، آیا نباید باب گفت‌وگویی را با جهان در حوزه‌های مختلف، از جمله حوزه تعلیم و تربیت، باز کنیم؟» حسنی در ادامه گفت: «ما در مبانی نظری مدعی هستیم که تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، که امروزه به‌عنوان آموزش و پرورش، خدماتی را به بچه‌های ۶ تا ۱۷ ساله ارائه می‌دهد، تعلیم و تربیتی است که هیچ یک از کشورهای جهان استکف نمی‌کنند و دولت‌ها رأساً واردش می‌شوند تا خدماتی ارائه دهند. نظام آموزش و پرورش ایران، حدود صد سال است که تجربه ارائه تعلیم و تربیت رسمی با محوریت دولت دارد، اما وقتی مبانی نظری را برای آموزش و پرورش تدوین کردیم، ادعا کردیم که قصد داریم الگویی برای کشور طراحی کنیم. این الگو مناسب کشور است و در عین حال، در بخش‌هایی هم



مشابه الگوهایی است که در چین، ژاپن، آمریکا و کشورهای دیگر به کار گرفته می‌شود. تعلیم و تربیت رسمی عمومی، مدلی است زمانمند و مکانمند و تابع بستری است که ارائه می‌شود. بنابراین، بین الگوی ما و الگوهای کشورهای دیگر از جمله ترکیه، مالزی، اندونزی، فرانسه و آمریکا تفاوت‌هایی وجود دارد. ما تلاش داریم مدلی طراحی کنیم که سه ویژگی داشته باشد؛ ویژگی‌های عام که در تمام کشورها در تمام مدل‌های تربیت رسمی و عمومی وجود دارد و سازماندهی شده و زمانمند است. منتهی به مدرک در مدرسه بروز پیدا می‌کند و ویژگی‌های خاص، که بر این ویژگی‌ها به دلیل تأکیدی که بر مبانی نظری و ایدئولوژی و قرائت ما از اسلام وجود داشت، تأکید می‌شود. یک ویژگی اختصاصی هم وجود دارد و آن مدل خاص جمهوری اسلامی ایران است که حتی در افغانستان و عراق هم نمی‌توان این مدل را با همین ویژگی‌های کامل دنبال کرد. نکته مهمی که در مدل ما وجود دارد، مبتنی بودن آن بر آموزه‌های دینی و فرهنگ خودمان است. اینکه این مدل نسبت به مدل‌های دیگر در کشورهای مختلف جهان چه نسبتی دارد، از اصطلاح دکتر خسرو باقری وام گرفتیم تحت عنوان «رقابت الگویی». مدل ما با مدل‌های رقیب و مدل‌های آلترناتیو رقابت الگویی دارد. بدین معنا که ما نسبت به جهان بسته نیستیم و نمی‌توانیم بسته باشیم». دکتر حسنی توضیح داد: «باز بودن به این معناست که ما فضایی را می‌خواهیم برای ارائه تجربه، انتقال مدل، دفاع از مدل و اینکه بگوییم این مدل ویژگی‌هایی دارد که خیلی از کشورها می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. در این حال، انتظار داریم و آماده‌ایم و آغوش ما باز است که ببینیم در کشورهای دیگر و در جهان امروز کدام نهادهای بین‌المللی و چه کشورهایی چه تجارب و چه ایده‌هایی دارند که به ما برای تعالی تعلیم و تربیت کمک می‌کند». او گفت: «ما مجبور به تعامل با کشورهای دیگر هستیم و این تعامل می‌تواند از نهادهای بین‌المللی نظیر یونسکو و هر نهاد دیگری باشد و می‌توانیم روابطمان را با کشورها با اولویت اسلامی و غیراسلامی هم‌جوار بررسی کنیم».

او گفت: «در بخش فلسفه تربیت رسمی عمومی، بخش دوم مطالعات نظری گفتیم که رقابت ما و نسبت ما با نظام‌های دیگر تعلیم و تربیت رسمی یک نسبت رقابت الگویی است؛ یعنی ما بسته نیستیم، به جهان پنجره داریم و به جهان نگاه می‌کنیم و جهانی‌ها هم می‌توانند به ما نگاه کنند و از تجارب ما استفاده کنند. زیرا مدعی هستیم که نظامی مبتنی بر پیام انسان‌سازی اسلامی داریم که دیگر کشورها می‌توانند از آن استفاده کنند». این عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش ادامه داد: «دوم اینکه ما در مبانی نظری در بخش اصولی که حاکم بر تعلیم و تربیت است، از خرد و عقل استفاده می‌کنیم؛ زیرا عقل و خرد امری انسانی است و تابع فرهنگ و تابع دین خاصی نیست. بنابراین، بسیاری از اصول تعلیم و تربیتی که در جهان صحت آن‌ها به تجربه و براساس استدلال عقلانی ثابت شده است، ناچار به استفاده از آن تجارب هستیم و از آن پیشینه علمی بهره ببریم». او گفت: «یکی از مسائل ما در آن قضیه

اصطلاحی است که مرحوم شهید صدر دارد: «منطقه الفراق» در منطقه الفراق می‌گوید که جایی است که شارع درباره آن دستور صریحی نداده است و در آنجا عقل اجازه دارد که با تکاپوی خود مشکلات جاری انسان‌ها را حل کند».

تعامل با جهان بهترین شیوه است

دکتر سیدمختار موسوی، مدرس دانشگاه و متخصص مدیریت آموزشی گفت: «ما در رابطه خود با دنیا به خصوص در حوزه‌های علوم انسانی و علوم تربیتی و حتی علوم دیگر سه گزینه داریم: ۱. تقلیدی، ۲. نفی کامل، ۳. اقتباسی».



تقلیدی بدین معنا که کلاً تقلید کنیم از آنچه در دنیا رخ می‌دهد. نفی کامل یعنی اینکه در مجموع، نفی کنیم و اینکه هیچ نسبتی معنادار نیست و سوم اقتباسی، که نوعی تعامل است و می‌تواند با حسن نیت و براساس نیازها باشد و باعث تعامل سازنده شود». موسوی گفت: «من معتقدم غیر از بعضی سیاستمداران مدعی جهان‌گشایی در دنیا، بقیه صاحب‌نظران و دانشمندان و کسانی که در حوزه‌های مختلف علوم کار می‌کنند، به شیوه تعامل عقیده دارند و معتقدند که بشریت این‌گونه رشد می‌کند». این متخصص مدیریت آموزشی ادامه داد: «از نظر من این سند به‌عنوان سندی است که بناست در آموزش و پرورش برنامه عملش نوشته و جاری شود. در کنار آن معتقدم تقلیدی و نفی کامل نه شدنی است و نه عقلانی؛ به دو دلیل خیلی مهم: ۱. فرهنگ‌ها ریشه در زندگی ملت‌ها دارند. اگر شما در فرهنگ ایرانی که ۵ - ۷ هزار سال قدمت دارد یا در فرهنگ اسلامی که بیش از یک هزار سال در این سرزمین قدمت دارد و یا در فرهنگ غربی که بیش از ۴۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد، نگاه کنید، می‌بینید که با وجود عنصر فرهنگ، اساساً این تقلید به مفهوم عیناً شدنی نیست؛ به این معنا که اثربخش نیست و پیامدهایش مؤثر نخواهد بود و پیامدهای مورد انتظار مقبول نخواهد بود؛ حتی اگر نتایج کوتاه‌مدتش به نظر زیبا باشد». او ادامه داد: «نفی کامل اولاً عقلانی نیست؛ ثانیاً به واسطه گسترش وسیع ارتباطات مجازی در دنیا شدنی نیست. معتقدم که این دو مؤلفه فرهنگ و ارتباطات مجازی هستند. آن دو حالت اول، یعنی تقلید و نفی کامل، شدنی نیست؛ بنابراین، وارد حوزه اقتباس شویم». موسوی راهکار ۹ - ۱۱ را یک راهکار مهم دانست و گفت: «این راهکار می‌گوید «رصد کردن تحولات نظام آموزش و پرورش و تربیت‌معلم و تحولات علمی در حوزه علوم تربیتی در سطح منطقه، جهان اسلام، بین‌الملل و بومی‌سازی تجارب و یافته‌های مفید آن‌ها و بهره‌مندی آگاهان از آن‌ها در چارچوب نظام» این خود یک شاه‌کلید است برای اینکه این ارتباط به دور از تقلید و به دور از نفی کامل خواهد بود و ما هم باید به این سمت برویم».

تعامل یک جریان دوسویه است

مهندس علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه وزارت



آموزش و پرورش و متخصص تعلیم و تربیت درباره نسبت ما با نظام‌های جهانی براساس آنچه در سند تحول آمده است، گفت: «هدف راهبردی شماره ۱۴، جزء مواردی است که این موضوع را مورد توجه قرار داده است که

توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آموزش و پرورش برای حضور فعال و سازنده در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و در راستای تحقق اهداف آموزش و پرورش را شامل می‌شود. در هدف عملیاتی یک هم بحث حفظ و تعالی میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی براساس نظام معیار مطرح شده است. به جز این مسئله، همان راهکارهای ۹ - ۱۱ و ۱۱ - ۱۱ که مشارکت فعال در تعاملات بین‌المللی، رصد کردن تحولات است و راهکار ۴ - ۱۹ است که ارتقای جایگاه ایران در ارزیابی کیفیت جهانی را ذکر کرده است». معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش ادامه داد: «آنچه از سند برداشت می‌شود، بحث تعامل است. تعامل یک جریان دوسویه است و در این جریان دوسویه، داد و ستد اتفاق می‌افتد. همان‌طور که در سند در هدف راهبردی آمده است، می‌خواهید دستاوردهای ما را ارزیابی کنید اما در راهکارهای ذیل هدف یازدهم، بحث استفاده از تجارب آن‌ها و بهینه‌سازی تجارب و به کارگیری تجارب موفق هم ذکر شده است. به همین جهت، پرسش این است که ما به دنبال این هستیم که دیدگاه‌های تعلیم و تربیتی خودمان را در جهان حاکم کنیم یا در یک تعامل مثبت هم آنچه را داریم عرضه کنیم و آنچه را دیگران دارند، دریافت کنیم و با شرایط خودمان تطبیق بدهیم و استفاده کنیم». او گفت: «اگر معتقد به تعامل باشیم، الگوی رقابتی، الگوی مناسبی نخواهد بود؛ زیرا در رقابت تعامل وجود ندارد. در رقابت اثبات یک طرف و نفی طرف دیگر وجود دارد و اگر ما این نوع نگاه را به تعاملات بین‌المللی و تعاملات جهانی داشته باشیم، بدین معناست که می‌خواهیم جهان بر مبنای این سند ما عمل کند و ما می‌خواهیم این سند را بر جهان حاکم کنیم».

او گفت: «حوزه تعلیم و تربیت بخشی از دریای فرهنگ است. حوزه فرهنگ، حوزه قلع و قمع نظامی نیست که ما سرزمینی بدهیم و سرزمینی بگیریم بلکه فرهنگ در تعاملات است که شکل می‌یابد. در تعاملات، آن روش و مدل و الگویی که ویژگی‌های ممتازی دارد، خود به خود مطرح و برجسته می‌شود و جای خود را در نظام‌های تعلیم و تربیت جهانی باز می‌کند». زرافشان ادامه داد: «اگر ما به منطق جریان ساخت فرهنگ در دنیا توجه کنیم، باید دیدگاه و روش خودمان را بر مبنای تعامل انتخاب کنیم. در این مدل الگوی عرضه و پذیرش حاکم است. نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا دارند یافته‌های خودشان را عرضه می‌کنند و ما هم یکی از عرضه‌کنندگان هستیم. در این عرضه و تقاضا، پذیرشی شکل می‌گیرد که بر مبنای شرایط حاکم بر فرهنگ یک کشور است و تعلیم و تربیت هم بخشی از آن فرهنگ است». او گفت: «بنابراین، به جای رقابت الگویی باید به تعامل الگویی و رفاقت و مشارکت الگویی روی آوریم. براساس فرایند حاکم بر تعاملات بین‌المللی، وقتی از تعامل و تأثیر و تأثر و گفت‌وگو صحبت می‌کنیم، در همه

این‌ها روح تعامل حاکم است و معنای روح تعامل نیز دوسویه بودن است. باید دید که مبانی و معیارهای ما در تعامل بین‌المللی چه هستند و در چه زمینه‌هایی می‌توانیم تعامل کنیم». زرافشان گفت: «مهم‌ترین مبانی ما مبانی فلسفی است که مبتنی بر مبانی دین‌شناختی است. البته ما در این مبانی کمتر زمینه تعامل داریم؛ زیرا در هر جامعه‌ای، نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر مبنای فلسفی حاکم بر جامعه بنیان‌گذاری می‌شود اما در حوزه روش‌ها می‌توان تعامل به کار برد».

لزوم بهره‌مندی از دانش تطبیقی در بهره‌مندی از الگوهای موفق جهان

محمد رضا حشمتی، سردبیر مجله رشد معلم، گفت: «براساس دانش تطبیقی باید بتوانیم از الگوهای موفق موجود در جهان استفاده کنیم. خطای ما در تبیین این است که وقتی می‌خواهیم از دیگری الگو بگیریم، گمان می‌کنیم باید آنچه را آنجاست بیابیم و از همان کاملاً استفاده کنیم. در حالی که اگر دانش تطبیقی را لحاظ کنیم، این‌گونه نخواهد بود». سردبیر مجله رشد معلم ادامه داد: «براساس روش‌شناسی، باید بتوان در مدل‌های موجود تغییراتی ایجاد کرد و زیرساخت‌های مربوط به آن‌ها را تغییر داد. اقتباس عین را آوردن نیست. می‌توانیم مدل‌های موفق را بیابیم ولی باید در آن تغییر دهیم».

تقلید با ملاحظات بومی‌سازی خوب است

دکتر سیدعلی حسینی، متخصص فناوری اطلاعات و ارتباطات و مشاور دفتر همکاری‌های بین‌المللی آموزش و پرورش، گفت: «قرائت‌های مختلفی از شکل‌گیری اسلام تاکنون مطرح شده است و فکر می‌کنم که اگر ما به دوران اوج فرهنگ و تمدن اسلامی - که از قرون ۲ تا ۷ بود - نگاه کنیم، می‌بینیم که در دانشگاه‌هایی نظیر جندی‌شاپور و نظامیه بغداد، نظام آموزشی مبتنی بر فرهنگ و مستندات و پایه‌های دانشمندان اسلامی وجود داشت و حتی جندی‌شاپور - که ۱۷۰۰ سال قدمت داشت، وقتی مسلمان‌ها به ایران آمدند و آن شهر را فتح کردند باز به اوجش ادامه داد تا اینکه نظامیه بغداد و جاهایی از روم از آن تقلید کردند». سیدعلی حسینی ادامه داد: «دیدیم که آن‌ها نسبت به مسیحیت داشتند این بود که فرهنگ و تمدن مسیحیت باید کاملاً با جهان اسلام حد و مرز داشته باشد. حتی ورود کتاب‌های جهان اسلام به سرزمین‌هایشان ممنوع بود و جرم تلقی می‌شد، اما ورود مخفیانه این کتاب‌ها سبب شد تا این کتاب‌ها به نام خود مسیحیان چاپ شود. بعد از قرون وسطی، دوران افول نسبی فرهنگ و تمدن اسلامی بود که نشان می‌دهد که اسلام را محلی و منطقه‌ای می‌دانند؛ در صورتی که در مبانی نظری هم یکی از بندها این است که زبان اسلام یک زبان جهانی است و می‌شود برای جهان ارائه داد؛ بدون اینکه مقاومتی از سوی جهان و بلوک‌های منطقه‌ای ایجاد شود و اسلام می‌تواند نفوذ کند. وقتی قائل باشیم که زبان



اسلام یک زبان و فرهنگ جهانی است، قطعاً نظام آموزشی اسلام می‌تواند نسخه‌ای برای سایر نظام‌ها باشد». او گفت: «همان‌طور که سیستم‌های آن‌ها می‌تواند نسخه‌ای برای ما باشد. اگر از بعد تاریخی نگاه کنیم، می‌بینیم که همین سیستم موجودی که ما داریم، مگر اسلامی است؟ قطعاً اسلامی نیست. طریقه چینش کلاس‌های ما، برنامه درسی ما و حوزه‌های علمیه‌مان هم یک دهه است که در حال نزدیک شدن به این نظام است». این متخصص فناوری اطلاعات و ارتباطات ادامه داد: «نظام مدرن آموزشی - که امیرکبیر و رشديه وارد کشور کردند - و براساس اهداف اولیه سند تحول، مشارکت خانواده در مدرسه و فلسفه مشارکت خانواده در مدرسه یک فرهنگ غربی و یک موضوع مدرن آموزشی است». او گفت: «معلم یا مدیر مدرسه در نظام‌های مکتبی سنتی ما، حرف اول و آخر را می‌زد و چه کسی فکر می‌کرد که روزی خانواده‌ها جمع شوند و بیایند در نظام آموزشی مدرسه و کلاس درس دخالت کنند».

معلم وسط می‌نشست و دانش‌آموزها در اطرافش می‌نشستند. معلم یک الگوی نمونه بود و همه دانش‌آموزها فقط او را می‌دیدند». او گفت: «تقلید با ملاحظات بومی‌سازی خوب است». مشاور دفتر همکاری‌های بین‌المللی آموزش و پرورش گفت: «بعد انسانی که نیازهای بشری و دغدغه‌های بشری هم مشترک است باعث می‌شود که انسان روش‌های مشترکی را به کار ببرد تا بتواند نیازها و دغدغه‌هایش را رفع کند که بسته به موقعیت‌های تاریخی متفاوت است». او گفت: «امروز می‌گویند که بیکاری یک بحران تمام‌ناشدنی است و هیچ موقع تمام نمی‌شود و تا دنیا، دنیا است ممکن است باشد. نظام‌های آموزشی برای این مشکل چاره‌جویی کرده‌اند و ما هم داریم از آن روش‌ها استفاده می‌کنیم و یا تبعیض و بی‌عدالتی در نظام‌های آموزشی، در همه دنیا وجود دارد. لذا می‌شود گفت که اشکالی ندارد که در خیلی از مسائل تقلید کنیم؛ از این حیث که مشکلات جامعه بشری مشکلات مشترکی است و حتی نه تنها در روش‌ها تقلید می‌کنیم و نتیجه‌بخش هم است، بلکه پیامدهای مشترکی هم داریم».

حسینی به بیان نمونه‌ای پرداخت: «برای نمونه، در سند تحول می‌گوید: «حیات طیبه»، اما در اسناد خارجی «شان و منزلت اجتماعی»، «سعادت‌مندی» یا «زندگی واقعی بشری» آمده است. ممکن است حدود آن‌ها کاملاً هم‌پوشانی نداشته باشد و جاهایی ما بزرگ فکر کنیم». او توضیح داد: «اساساً قرائتی که ما از فرهنگ و تمدن اسلامی در حوزه منطقه‌ای و محلی خودمان داریم، بسیار مهم است که آیا ما زبان اسلام و زبان فرهنگ اسلامی را زبان آموزش مبتنی بر فلسفه اسلامی جهانی می‌دانیم و یا زبانی می‌دانیم که فکر می‌کنیم فقط در منطقه خودمان قابل اجراست». ایشان اظهار داشت: «به نظر می‌رسد که ما دچار یک توهم زبان محلی اسلام شده‌ایم و می‌گوییم این چیزی که ما می‌گوییم، چیزی است که فلسفه اسلامی بر آن تأکید دارد و صرفاً هم همین است و لاغیر». او تأکید کرد: «این قرائت مشکلات بسیاری را برای ما ایجاد می‌کند. هیچ سندی در هیچ جای دنیا قابلیت اجرای صددرصد پیدا نمی‌کند و منطبق می‌شود با شرایط محیطی و فرهنگ، و آن‌گاه در نظام آموزشی کشور جاری می‌شود».

در ادامه، سردبیر مجله رشد مدیریت سؤال دوم را این‌گونه مطرح کرد:

سند بخش تعاملات را دیده است و ما باید بر این اساس عمل کنیم، حال اگر بخواهیم تحولات را مدیریت کنیم، با چه موانع و چالش‌هایی مواجه می‌شویم؟ و در این راستا، چه راهبردهایی را تسهیل‌کننده می‌دانید؟ منظورم از «رقابت»، «عرضه، بهره‌دهی و بهره‌گیری» است

محمد حسنی در ابتدای صحبت‌های خود درباره بهره‌مندی از واژه «رقابت» در صحبت‌هایش توضیح داد: «دوستان واژه‌هایی را استخدام می‌کنند که اشتراک لفظی ندارند اما اشتراک معنایی دارند و از نظر محتوایی به هم نزدیک‌اند». او گفت: «منظور من از «رقابت» عرضه، بهره‌دهی و بهره‌گیری است. در واقع، آنچه از استخدام اصطلاح «رقابت الگویی» مد نظر است، مواجهه فعال با الگوهای جهانی امروز است. این مواجهه فعال حتی از تعامل هم شدیدتر است». او توضیح داد: «مواجهه فعال یعنی در آن انفعال و پذیرش اقتباس‌گونه نیست و از داد و ستد هم فراتر است؛ زیرا پای‌گزینش، ملاک و اصل مطرح است، حسنی گفت: «اگر قرار است ما با جهان، مواجهه فعال داشته باشیم، به اصولی نیازمندیم و اگر این اصول را نداشته باشیم، چاره‌ای جز اقتباس نداریم؛ نظیر برخی از کشورهای جهان که تسلیم‌اند، می‌پذیرند و برنامه‌های کشورهای دیگر را پیگیری می‌کنند». محمد حسنی تأکید کرد: «مواجهه ما فعال، روشمند و اصل‌مدار است». او بزرگ‌ترین چالش در تعاملات با جهان امروز در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت را تراجم، اصطکاک و تعارض ارزشی عنوان کرد و گفت: «ما با برخی مواضع سند ۲۰۳۰ مشکلاتی داشتیم که کاملاً روشن بود. بسیاری از نظام‌های تربیتی جهان امروز نظام‌هایی متکی بر تفکر سکولاریسم هستند. تفکر سکولاریسم مشکلی برای ما ایجاد می‌کند؛ در حالی که ما مدعی آنیم که مدل ما متکی بر دین است، ممکن است برای ما چالش ایجاد کند، که باید این چالش‌ها را به نحو خردمندانه‌ای حل کنیم، اما این بدان معنا نیست که الگوهای ما با سایر الگوهای جهان تباین دارد و این تباین به معنای بستن هرگونه ارتباط است». او گفت: «برخی از ساختارهای بین‌المللی این سازوکارها را بهتر می‌کنند». تأکید کرد: «معلم‌ها بیش از هر کسی می‌توانند وحدت فرهنگی بین ملل مسلمان ایجاد کنند. این تعامل‌ها حتماً نباید در سطح دولتی و کانالیزه باشد بلکه باید به سطح پایین‌تر برود. تعاملات دولتی کفایت نمی‌کند. تعاملات باید از این عمیق‌تر باشند و شبکه‌های اجتماعی فضای این کار را باز کرده‌اند».

واقعیت‌های زمینی جامعه را لحاظ کنیم و فقط روی‌پزدازی نکنیم

مختار موسوی، مدرس دانشگاه و متخصص مدیریت آموزشی، گفت: «براساس یافته‌های خودم معتقدم که با برخی از روی‌پزدازی‌ها، خیال‌بافی‌ها و بلندپروازی‌ها ممکن است یک جریان و نظام ایده‌آل در ذهن ما شکل بگیرد اما باید مقداری واقعیت‌های زمینی جامعه را ببینیم؛ زیرا می‌خواهیم برای این معلم برنامه‌ریزی کنیم». او گفت: «معتقدم که تغییر در دنیا یک

موسوی: آدم‌های فهیم و کشورهای با حاکمان فهیم در دنیا کم نیستند. ما می‌توانیم با این‌ها شراکت کنیم و به‌عنوان حامی از آن‌ها استفاده کنیم و یا خودمان حامی‌شان باشیم و این باید به‌عنوان یک دستور کار مهم، از مدرسه گرفته تا وزارت‌خانه، مورد توجه قرار گیرد

اصل است، اما این تغییر با الگوهای مختلفی مواجه است. از جمله مهم‌ترین الگوهای تغییر در دنیا و ما این است که اساساً همانند گذشته اصول ثابت تغییرناپذیر برای تغییر نداریم». موسوی توضیح داد: «در حوزه یادگیری می‌گوییم که در پارادایم مهمی که در تغییر داریم، شما روش‌های گذشته را مجدداً تکرار نکنید، اگر جواب نمی‌گیرید و یا اصلاً شما علاقمند هم هستید و ثابت می‌کنید که شیوه درستی است، دنیا، دنیای یک سال پیش نیست، بنابراین معتقدم که واقعیت‌ناهناتر بحث کنیم، همان‌گونه که در دنیای ابن‌سینا، ابوریحان، خوارزمی و علما و دانشمندان اسلامی «علم» جهان شمول بوده، در دوران نیوتن، اینشتین و پیازیه هم جهان شمول است. هر آنچه از معبر روش علمی می‌گذرد در دنیا جهان شمول است». او توضیح داد: «این مفهوم به راحتی در قالب یک تعامل یا اقتباس در دنیا پخش می‌شود و به دست می‌آید. در مقابل این جریان مقاومت با خیال‌پردازی‌ها سبب می‌شود که مغزها مهاجرت کنند». او گفت: «موج سوم مهاجرتی که از ایران شروع شده است، دلیل بخش عمده‌اش بی‌توجهی به همین موضوع است. بنابراین، این سند باید به این توجه کند و مقصودم از تعامل و اقتباسی که می‌گویم در اثر تعامل با دنیا می‌شود کرد، این است». او پیشنهاد کرد: «کمک کنیم تا در کشورمان، جامعه دانش‌مدار فراگیر شکل بگیرد؛ بدین معنا که نه فقط در جامعه دانش‌آموزی بلکه در بقیه جوامع هم باشد. مگر دانشگاه‌ها در این حوزه شرایط خوبی دارند، بلکه با اعتراض وسیعی مواجه هستند. دوم اینکه معتقدم ما باید حامیان و شرکای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را شناسایی کنیم و این کار را جدی بگیریم». او گفت: «آدم‌های فهیم و کشورهای با حاکمان فهیم در دنیا کم نیستند. ما می‌توانیم با این‌ها شراکت کنیم و به‌عنوان حامی از آن‌ها استفاده کنیم و یا خودمان حامی‌شان باشیم و این باید به‌عنوان یک دستور کار مهم، از مدرسه گرفته تا وزارت‌خانه، مورد توجه قرار گیرد».

مطالعه مقایسه‌ای اشتراکات و تفاوت‌ها را مشخص می‌کند

علی زرافشان گفت: «معمولاً وقتی ما صحبت از الگو می‌کنیم، از یک سامانه بسته حرف می‌زنیم که اجزایش به هم پیوستگی دارد. وقتی که بحث «رقابت» می‌شود،



آموزش زبان‌های خارجی براساس فرهنگ بومی خودمان

باشد

محمدرضا حشمتی گفت: «چه بخواهیم و چه نخواهیم با دنیا ارتباط داریم اما اینکه در منطقه اول باشیم، براساس کدام شاخص‌ها باید باشد و اطلاعات را از دیگران چگونه باید به دست بیاوریم». او گفت: «تکنه دیگر اینکه آموزش زبان انگلیسی در آموزش و پرورش رسمی ما دچار مشکل است، اما چرا مؤسسات ما موفق‌اند؟ این علامت سؤالی برای ماست. اما خودبه‌خود می‌بینیم، الگوهایی که ما بومی می‌کنیم، برای نمونه در مورد آموزش زبان انگلیسی وقتی براساس فرهنگ آن‌ها وارد می‌شویم، دچار ضربه می‌شویم. بنابراین مؤسسات آزاد آموزش زبان می‌توانند تأثیر زیادی بر تغییر نگاه فرزندان ما و فرار مغزها داشته باشند». او گفت: «این مسئله قابل تأمل است که تعاملی به این شکل داشته باشیم و یا به شکل دیگری داشته باشیم؛ وگرنه در بحث روش‌ها همه دنیا در آموزش و پرورششان مسئله دارند».

تعامل جهانی برای ایران سودمند است

سیدعلی حسینی گفت: «آن چیزی که ما به‌عنوان فرهنگ شفاهی بین سیاست‌گذاران می‌شنویم، باید با فرهنگ کتبی همخوانی داشته باشد. سند تحول از نظر ما ایده‌آل است و خوب هم نوشته شده و فکر هم می‌کنیم که راهگشاست، اما برای صادر کردن این سند در جهان اسلام شاید بپذیریم که باید بعضی از مبانی آن را حذف کنیم؛ چرا که کشور استفاده‌کننده علاقه‌مند است از مبانی خود استفاده کند و همین در حالت معکوس نیز اتفاق می‌افتد». او گفت: «باید با زبان جهانی صحبت کرد و زبان محلی به این درد نمی‌خورد. قرار گرفتن در تعامل مشترک جهانی برای ایران و هر کشور دیگر سودهایی دارد و حتماً باید ملاحظاتی در این بخش داشته باشیم».

داشته‌های ما برای تعامل علمی و فرهنگی کم نیست

حیدر تورانی که هدایت این میزگرد را بر عهده داشت، در پایان گفت: «شاید اگر بخواهیم در دنیا درباره مسائل اقتصادی صحبت کنیم، به اندازه داشته‌هایمان در حوزه تعلیم و تربیت حرفی برای گفتن نداشته باشیم». او گفت: «مبانی ما در تعامل علمی و فرهنگی قوی است و داشته‌های ما در دنیا در تعامل فرهنگی کم نیست اما به دلیل اینکه توانمندی لازم در اجرایی کردن و روشمند کردن اسناد تحولی را نداریم، با مشکل مواجهیم». او گفت: «فهم مشترک و نظام‌یافته‌ای از اسنادمان نداریم. به همین دلیل، اسناد ما واقعا از نظر سازوکار و روشمندی علمی برای پیاده‌سازی و اجرا ضعیف‌اند و یکی از دلایلی که اسناد خارجی به راحتی در سفره ما می‌نشینند چارچوب و روشمندی خوبشان است و به همین دلیل هم دنیا در این سمت موفق‌تر است». او اظهار امیدواری کرد که اسناد تحولی، برای خودمان آموزه خوبی باشد و بتوانیم کمک کنیم به دیگران تا چند راه برای گفت‌وگوها و تعاملات بیشتر بازتر شود.

الگویی باید به نفع الگوی دیگر کنار برود، مگر آن سامانه را سامانه باز تعریف کنیم که با الگو جور در نمی‌آید». او توضیح داد: «الگو اگر بخواهد تمایز پیدا کند، باید ویژگی بسته بودن را داشته باشد. در اخبار حتما شنیده‌اید که شورای انقلاب فرهنگی در ارتباط با بحث تعاملات بین‌الملل براساس سفارشی که به شورا داده شده است، در آن سفارش اصل تعامل، یک ضرورت تلقی شده است و چگونگی آن مورد سؤال است که با فرض اینکه تعامل بین‌المللی ضروری است درباره چگونگی آن شورای عالی انقلاب فرهنگی ورود پیدا کند و بحث کند. بنابراین، در این زمینه که ما باید تعامل بین‌المللی داشته باشیم اما چگونه و در چه زمینه‌هایی؟ به نظر من ما در دو حوزه مبانی و روش‌ها مسئله داریم». معاون آموزش متوسطه ادامه داد: «در مبانی می‌توان بر نکات مشترک اجماع کرد و نکات مشترک را از جاهای مختلف پذیرفت؛ اینکه توافق کنیم غیر از خدا کسی را نپرستیم، توحید کلمه مشترک ماست، شریک هم، برای آن قرار ندهیم. همدیگر را به‌عنوان رب نپذیریم». او گفت: «به نظر می‌آید که در عرصه مبانی می‌توانیم روی آنچه در فرهنگ‌های مختلف جزء مبانی مشترک قلمداد می‌شود، اجماع و توافق داشته باشیم». زرافشان گفت: «یکی از چالش‌های موجود این است که مبانی در دنیا متفاوت است و آیا می‌شود از بین مبانی متفاوت فصل مشترکی را انتخاب کرد و در آن ورود پیدا کرد یا نه. این مبانی در سند ما هم بحث مبانی فلسفی و دین‌شناختی است که باید آن وجه مشترک را مشخص کنیم». او گفت: «بیش از مبانی به نظر می‌آید که ما باید در حوزه تعلیم و تربیت روش‌ها و الگوها را مبادله کنیم و از هم بگیریم».

البته در روش‌ها و الگوها هم مطالعات تطبیقی با آن معنای گذشته‌اش، که ما می‌خواهیم نظام تعلیم و تربیت خودمان را با نظام‌های دیگر تطبیق دهیم، خیلی کارساز نیست و در بیشتر تعریف‌های جدیدی که در این حوزه می‌شود، باید از ادبیات مطالعات مقایسه‌ای استفاده شود نه از تطبیق پیدا کردن آن». زرافشان گفت: «اگر حالت مقایسه پیش بیاید، اشتراکات و تفاوت‌ها دیده خواهد شد و الزاما به تقلید و اقتباس کامل منجر نخواهد شد. اینکه چه میزان، روش‌ها قابل مبادله‌اند و هوشمندی در تطبیق را باید لحاظ کنیم، مطالعاتی است که در سال‌های اخیر در دنیا انجام شده است، بحث‌هایی نظیر آموزش به مثابه فرهنگ، شکاف آموزشی، همگی مطالعاتی است که نشان می‌دهد حتی روش‌ها، مبتنی بر فرهنگ‌اند و این کار عینا قابل انتقال نیست». او گفت: «چیزی که بیشتر قابل انتقال است، روش‌ها و تا حدی مدل‌هایی است که در نظام تعلیم و تربیت می‌توان از آن‌ها یاد کرد وگرنه در حوزه مبانی دامنه عمل ما خیلی محدودتر می‌شود. در حوزه روش‌ها به دلیل اینکه دستاوردهای بشری هستند و در سند تحول هم در چشم‌انداز تأکید شده است که ما دستاوردهای بشری را بگیریم و آن‌هایی را که مناسب ماست بومی کنیم، دامنه عمل ما در حوزه روش‌ها و الگوها نسبت به مبانی بازتر است اما این بدان معنا نیست که در مبانی هیچ‌گونه داد و ستدی امکان‌پذیر نیست».